



Analysis of the Role of Secondary Purposes of Interrogative Sentences in Revealing Hidden Ideological Meanings (Case Study: *The House of the Idrisis* by Alizādeh)

Gholamhoseini. Parvin^{1*} / Ghanoni. Hamidreza²

1: Ph.D. in Persian Language and Literature, University Lecturer, Shahrekord University, Shahrekord, Iran (Corresponding Author): parvin2012gh@yahoo.com

2: Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran: hrgahooni@pnu.ac.ir

Abstract: Sentences can be structurally divided into three main categories: declarative, interrogative, and imperative. Each of these structures possesses unique syntactic features that relate to different roles and meanings within a discursive context. The primary purpose of a question is to seek information; however, interrogative sentences are sometimes used instead of other sentence types, especially declarative ones, for greater impact. In this research, the interrogative sentences from the novel *The House of the Idrisis* are extracted and examined for their frequency, secondary purposes, and classification. Examining the types and frequency of secondary purposes in interrogative sentences can reveal stylistic values, particularly in understanding the thoughts, ideas, and personal perspective of poets and writers. Understanding secondary purposes and their types in a writer's works can serve as a valuable guide to the sociolinguistic aspects as well as the culture and society of their time. Alizadeh sometimes conveys her criticisms, beliefs, and attitudes to the audience through interrogative sentences. The most frequent secondary purposes of the interrogative sentences in this novel include astonishment, disdain, contrast, condemnation, reproach, emphasis, inclusion of judgment, warning, negation and denial, contradiction, etc. It is worth mentioning that many components within this novel carry socio-political ideological weight, and are therefore examined with such consideration in mind.

Keywords: Semantics, Interrogative Sentences, Secondary Purposes, Ideological Meanings, *The House of Idrisis*.

- P. Gholamhoseini; H. Ghanoni (2025). "Analysis of the Role of Secondary Purposes of Interrogative Sentences in Revealing Hidden Ideological Meanings (Case Study: *The House of the Idrisis* by Alizādeh)". Semnan University: *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 16(39).271-302.
[Doi: 10.22075/jlrs.2024.34238.2474](https://doi.org/10.22075/jlrs.2024.34238.2474)



سال شانزدهم - شماره ۳۹ - بهار ۱۴۰۴

صفحات ۳۰۲-۲۷۱ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۳/۰۳/۰۴ بازنگری ۱۴۰۳/۰۷/۲۳ پذیرش ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک

(مطالعه موردی: رمان خانه ادریسی‌ها اثر علیزاده)

پروین غلامحسینی^۱ / حمیدرضا قانونی^۲

۱: دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه، دانشگاه شهر کرد، شهر کرد، ایران (نویسنده مسئول). parvin2012gh@yahoo.com

۲: استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. hrghanooni@pnu.ac.ir

چکیده: انواع جمله‌ها به لحاظ ساختاری به سه دسته اصلی خبری، پرسشی و امری تقسیم می‌شوند. هریک از این ساختارها، دارای ویژگی‌های نحوی منحصر به خود هستند که در بافت گفتمانی با نقش‌ها و معانی متفاوتی مرتبط می‌شوند. غرض اصلی از پرسش، طلب اخبار است؛ اما گاهی برای تأثیر بیشتر کلام، به جای سایر انواع جمله (مخصوصاً خبری)، از جمله پرسشی استفاده می‌کنند. در این پژوهش، پژوهشگر ضمن مطالعه رمان «خانه ادریسی‌ها»، جملات پرسشی آن را استخراج کرده، سپس به بررسی بسامد گزاره‌های پرسشی و کاربرد اغراض ثانوی و طبقه‌بندی این گزاره‌ها پرداخته است. بررسی انواع و بسامد هریک از اغراض ثانوی جملات پرسشی، می‌تواند ارزش سبک‌شناختی خصوصاً در شناخت افکار، اندیشه‌ها و زوایای شخصیتی شاعران و نویسندگان داشته باشد. انواع و اغراض معانی ثانوی موجود در آثار یک نویسنده، در جامعه‌شناسی زبان و شناخت فرهنگ و اجتماع زمان او، راهنما و هدایت‌گر خوبی خواهد بود. علیزاده گاه با استفاده از گزاره پرسشی، انتقادها، باورها و نگرش خود را به مخاطبش انتقال می‌دهد. پرسامدترین اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در این رمان، تحیر و تعجب، تحقیر، تضاد، ملامت، ندامت و سرزنش، تأکید، شمول حکم، هشدار، نفی و انکار، منافات و... است. لازم به ذکر است که بسیاری از مؤلفه‌های موجود در این رمان، دربردارنده و حاوی معانی ایدئولوژیک سیاسی اجتماعی هستند. از این رو، این گزاره‌ها با در نظر گرفتن چنین شرایطی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

کلیدواژه: علم معانی، گزاره‌های پرسشی، اغراض ثانوی، معانی ایدئولوژیک، خانه ادریسی‌ها.

- غلامحسینی، پروین؛ قانونی، حمیدرضا (۱۴۰۴). «تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک (مطالعه موردی: رمان خانه ادریسی‌ها اثر علیزاده)». دانشگاه سمنان: مطالعات زبانی و بلاغی. ۱۶ (۳۹).

۲۷۱-۳۰۲

Doi: 10.22075/jlrs.2024.34238.2474

۱. مقدمه

علم معانی، علمی است که درباره معانی ثانوی جملات و عبارات یک زبان بحث می‌کند. عبدالقاهر جرجانی در *دلایل الاعجاز* معانی ثانوی را این‌گونه مطرح می‌کند که «کلام علاوه بر معانی حقیقی، دارای یک سلسله معانی اضافی (ثانویه) نیز هست که به واسطه هیأت، ریخت و سرشت ترکیبی کلام به وجود می‌آید» (ضیف، ۱۳۹۰: ۸۳). او در این کتاب ذکر می‌کند که «فصاحت، بیان و بلاغت، همگی به ویژگی‌هایی از کلام ارتباط دارند که در ورای الفاظ و معانی قرار دارد و ویژگی‌های مذکور از نظم و ترکیب کلمات بر اساس ترکیب معانی اضافی در ذهن سرچشمه می‌گیرند» (همان: ۲۲۴). به عبارت دیگر، معنای اولی، معنایی است که از ظاهر الفاظ برمی‌آید؛ اما معنی ثانوی که از آن به معنای ضمنی و معنای اضافه نیز یاد می‌شود، در ارتباط الفاظ در کلام مشخص می‌شود؛ مثلاً در مثال پیش‌رو، دو کلمه گرسنه و خیلی، به تنهایی معنای لفظی خود را دارند؛ اما وقتی کسی می‌گوید: «خیلی گرسنه‌ام» منظور این عبارت و معنای ثانوی آن، این است که گوینده آن نیازمند خوردن غذاست (ر.ک: جعفری آذرمانی، ۱۳۹۴: ۱۷). «در توضیح خصایص زبان ادبی و شرح آنچه ادبیت خوانده‌اند، خصوصاً در قیاس با زبان محاوره و علمی، ویژگی «دلالت ضمنی» و «بیان غیرمستقیم»، همواره یکی از محورهای بحث بوده است. در تاریخ نقد ادبی غرب، این رویکرد همچون بسیاری از توجهات دیگر، به مراتب ریشه‌دارتر و گسترده‌تر از متون بلاغی ایرانی اسلامی است» (رضوانیان و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۸۱). غرض اصلی از پرسش، طلب اخبار است؛ اما گاهی برای تأثیر بیشتر کلام، به جای سایر انواع جمله (مخصوصاً خبری)، از جمله پرسشی استفاده می‌کنند؛ لذا این‌گونه جملات پرسشی استفهام مجازی است که به آن استفهام تولیدی هم گویند. به نظر سداک (Sadock) «اغراض ثانویه در جملات پرسشی یا دادن خبر (چه مثبت و چه منفی) است یا امر (نهی)؛ اما بر این دو مورد می‌توان بیان عاطفه و احساس را هم افزود» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۳۷). در پژوهش حاضر، نویسندگان به بررسی و تحلیل معانی ثانوی جملات پرسشی

پرداخته‌اند. چه بسا در بسیاری از رمان‌ها مانند رمان سگ و زمستان بلند اثر پارس‌پور، جزیره سرگردانی اثر سیمین دانشور و همچنین خانه ادیسی‌ها نوشته غزاله علیزاده، به دلیل شرایط و اوضاع سیاسی اجتماعی، نویسندگان از تصریح گویی اجتناب کرده و به روش‌های دیگر شبیه‌نماد، تمثیل و... توسل جستند. یکی دیگر از راه‌های بیان مفاهیم ایدئولوژیک بهره گرفتن از امکاناتی نظیر استفاده از جملات پرسشی است. از این رو، در این پژوهش سعی شده است به بررسی و روشن شدن چنین معانی ثانوی در راستای بیان مفاهیم ایدئولوژیک، پرداخته شود.

۱-۱. روش و ضرورت پژوهش

در این پژوهش، پژوهشگر ضمن مطالعه دقیق این رمان، جملات پرسشی آن را استخراج کرده، سپس به بررسی و طبقه‌بندی اغراض ثانوی معانی این گزاره‌ها پرداخته است. لازم به ذکر است که بسیاری از گفتمان‌های موجود در رمان خانه ادیسی‌ها حاوی معانی ایدئولوژیک و ضمنی نظیر مؤلفه آزادی خواهی، تساوی حقوق، عدالت خواهی و... هستند. موقعیت خاص و حالت ذهنی و روانی گوینده و شنونده در القای معانی ضمنی مؤثرند. از این رو، با توجه و تأکید بر شرایط اجتماعی و سیاسی زمان رمان، به شرح معانی و اغراض ثانوی این گزاره‌ها پرداخته می‌شود. ضرورت پژوهش: بررسی انواع و بسامد هریک از اغراض ثانوی جملات پرسشی، می‌تواند ارزش سبک‌شناختی خصوصاً در شناخت افکار، اندیشه‌ها و زوایای شخصیتی شاعران و نویسندگان داشته باشد. انواع و اغراض معانی ثانوی موجود در آثار یک نویسنده، در جامعه‌شناسی زبان و شناخت فرهنگ و اجتماع زمان او راهنما و هدایت‌گر خوبی خواهد بود.

۱-۲. پیشینه پژوهش

افضلی‌راد و ماهیار (۱۳۹۵) در «پرسش و اغراض ثانویه آن در غزلیات سعدی»، با بررسی و کشف اغراض ثانویه پرسش در غزلیات سعدی نشان می‌دهند که سعدی در غزل برای اظهار کدام اغراض از پرسش بهره گرفته است تا علاوه بر توسعه

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۷۵
دانش اغراض ثانویه بیان کند که اغراض ثانویه جمله‌های پرسشی به همان مواردی
محدود نیست که در کتاب‌های معانی قدما و متأخران آمده است؛ چون سعدی در غزل
از ساختارهای ویژه گفتار برای القای ظرایف معنایی و اهداف بلاغی استفاده کرده
است.

مقاله آفاحسینی و دیگران (۱۳۹۰) در «اهمیت پرسش در متون عرفانی» بر پایه بیان
اهمیت پرسش و جایگاه آن در متون عرفانی صورت می‌گیرد. یکی از طرح‌های
موفقی که می‌تواند ما را در شناخت زبان عرفان و فهم متون عرفانی یاری رساند،
بررسی و تحلیل این آثار از منظر علم معانی و ابزارهای کارآمد آن، نظیر
مقاصد ثانوی جملات است. در این میان کارایی و تأثیر درخور توجهی که پرسش در
ساختار کلام دارد، اهمیت این بحث را مضاعف می‌کند. آنچه در متون ادبی و عرفانی
کاربرد بیشتری دارد، رویکرد بلاغی و غیرایجابی پرسش است. عارف برای استفاده از
نهایت قابلیت زبان در زمینه القای اندیشه‌های متعالی خود از پرسش
و اغراض ثانوی آن هوشمندانه بهره می‌برد. نوع و میزان این کاربرد برای ابعاد
گونگون پرسش در علم معانی موضوع این پژوهش است که بر اساس سه اثر عرفانی
متعلق به سده پنجم تا هفتم، تبیین یافته است.

حجتی‌زاده (۱۳۹۶) «وجه پنهان معنا و زبان پنهان واژه‌ها بررسی نقش یاری رسان
دلالت‌های ضمنی در تبیین اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی» را نوشته است. پرسش
اصلی تحقیق حاضر عبارت از این است که نخست، توجه به گونه‌های تضمن در متن
یا گزاره ادبی چه نقشی در تقویت و تشخیص بار معنایی دارد و دوم اینکه این تضمن‌ها
چه کمکی به تفکیک لایه‌ها و متشکله‌های معنایی متن می‌کند. الگوی پژوهش حاضر
بر پایه مبحث دلالت‌های ضمنی (زبان پنهان واژه‌ها) در شاخه معناشناسی زبانی، با الهام
از الگوی معناشناختی لوئی یلمسلف از یک سو و مبحث اغراض ثانوی گزاره‌ها، با
تمرکز بر گزاره‌های پرسشی در علم معانی از دیگر سو استوار است. نگارنده کوشیده
است از مجموع این دو رویکرد، الگویی برای مطالعه وجه پنهان معنا یا تداعی‌های

یک گزاره ارائه دهد که شامل چهار متشکله «معناشناختی، واژه‌شناختی، آواشناختی و نحوی» است. حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که اولاً نباید دلالت‌های ضمنی را با معانی حاصل از صورخیال متن یکسان پنداشت؛ زیرا دلالت‌های مزبور شامل‌تر از معانی تصویری متن و عموماً متوجه گزاره‌های غیرتصویری آن است. ثانیاً، به این واقعیت توجه می‌دهد که چگونه می‌توان از بررسی تضمن‌های متن برای شناخت تفاوت‌های سبکی و معنایی میان دو متن یا دو نویسنده بهره گرفت.

طاهری (۱۳۸۷) در «سؤال و اغراض ثانوی آن در غزلیات حافظ»، به بررسی انواع سؤال هم از حیث مباحث و هم از جهت بسامد، کاربرد آن در اغراض ثانوی در غزلیات حافظ پرداخته است تا جایگاه سؤال و اغراض ثانوی آن در ادبیات بهتر نموده شود. برای انجام این پژوهش تمام غزلیات حافظ را مطالعه و سؤال‌های آن را استخراج نموده و با دقت به بررسی اغراض ثانوی هر یک پرداخته و سپس آن‌ها را دسته‌بندی نموده است. نتیجه‌ای که از این مقاله به دست آمده، این است که اغراض ثانوی سؤال در ادبیات متعدد و متنوع است و منحصر به همان تعدادی نیست که دانشمندان و محققان علوم بلاغی در کتب از آن‌ها یاد کرده‌اند. همچنین از آن‌روی که قرینه‌ای در جمله برای شناخت غرض ثانوی سؤال موجود نیست، دریافت غرض دشوار است.

ذبیح‌پور و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل اغراض ثانوی فعل امر در اشعار اجتماعی مجموعه آینه‌ای برای صداها»، بررسی‌ها گویای آن است که شفیع کدکنی با کاربرد هنرمندانه فعل‌های امر در بافت تناسبی و تقابلی شعر و به کارگیری عناصر بلاغی متعدد، توانسته آن‌ها را در کاربردهای ترغیبی، آرزومندی، التماسی، ارشادی و هشدار در کنار کاربردهای تلویحی دیگری چون بیان شگفتی، تعجیز و تهدید تصویرسازی کند. این اغراض برابر با کنش منظوری در نظریه کنش‌های گفتاری آستین هستند که با توانایی هنری شاعر در نحوه ارائه آن‌ها، قدرت تأثیرگذاری بر مخاطب و برانگیختن احساسات یا حتی انجام عمل را بازگو می‌کنند و گویای کنش فرایانی یا تأثیری آستین هستند.

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۷۷
با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در رابطه با عنوان این پژوهش، تحلیل نقش
اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک (مطالعه
موردی: رمان خانه ادریسی‌ها اثر علیزاده)، هیچ پژوهشی تا به حال صورت نگرفته
است. از این جهت پژوهشی نو به حساب می‌آید.

۳-۱. زبان و ایدئولوژی

با وجود برداشت‌های متفاوت از ایدئولوژی، از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، مفهوم
«ایدئولوژی» برای درک علمی گفتمان، مفهومی کلیدی است؛ زیرا ایدئولوژی،
«متضمن بازنمود جهان از دید منافی خاص» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۵۳) و ابزار ایجاد و
حفظ روابط نابرابر قدرت در جامعه است. این کار به کمک زبان صورت می‌گیرد.
هرچند دسترسی ما به واقعیت، همواره از طریق زبان صورت می‌گیرد، «اما زبان، بازتابی
خنثی از واقعیتی از پیش موجود نیست؛ بلکه صرفاً بازنمایی‌هایی از واقعیت خلق می‌کند
و بر ساختن آن نقش دارد» (یورگنسن و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۹). بدین ترتیب، کسانی که
نگرش انتقادی دارند، زبان را دارای بار ایدئولوژیک می‌دانند. از دید آن‌ها، ایدئولوژی
با وساطت زبان در نهادهای اجتماعی به جریان می‌افتد. فرکلاف در این باره می‌نویسد:
ایدئولوژی، پیوستگی نزدیکی با زبان دارد؛ استفاده از زبان معمول‌ترین شکل رفتار
اجتماعی است. اعمال قدرت در جوامع نوین، به‌طور روزافزونی از طریق ایدئولوژی
به‌ویژه از طریق کارکردهای ایدئولوژیک زبان صورت می‌گیرد (ر.ک: فرکلاف،
۱۳۹۷: ۲).

فرکلاف بر این باور است که «زبان به اشکال گوناگون و در سطوح مختلف،
دربدارنده ایدئولوژی است؛ اما پرسش اصلی این است که آیا ایدئولوژی، خاصیتی
متعلق به ساختارهای زبان یا متعلق به رخدادهای زبانی است؟ وی در پاسخ به این سؤال
که چه سطوحی از زبان و گفتمان، دارای بار ایدئولوژیک هستند، به نقل
از تامپسون (1984) مدعی می‌شود: این «معانی» هستند که بار ایدئولوژیک پیدا
می‌کنند و غالباً منظور از معانی، صرفاً یا عمدتاً معانی واژگانی است. تردیدی نیست که

معانی واژگانی مهم‌اند، اما پیش فرض‌ها، اشاره‌های ضمنی، استعاره‌ها و انسجام که همگی جنبه‌هایی از معنا را تشکیل می‌دهند نیز مهم هستند» (فرکلاف، ۱۳۹۷: ۹۸). ایدئولوژی، از نظر فرکلاف، «معنا در خدمت قدرت» است (همان: ۱۴). به عبارت دیگر، ایدئولوژی‌ها از نظر فرکلاف سازه‌هایی معنایی هستند که به تولید، بازتولید و دگرگونی مناسبات سلطه کمک می‌کنند (همان: ۸۷). ایدئولوژی‌ها در جوامعی به وجود می‌آیند که در آن‌ها مناسبات سلطه بر ساختارهای اجتماعی نظیر طبقه و جنسیت مبتنی باشند.

۴-۱. مختصری از رمان «خانه ادریسی‌ها»

غزاله علیزاده (۱۳۲۷-۱۳۷۵ ش.). رمان «خانه ادریسی‌ها» را در سال ۱۳۷۱ منتشر کرد. «این رمان برنده لوح زرین و دیپلم افتخار جایزه بیست سال ادبیات داستانی انقلاب اسلامی است» (فرضی و امانی، ۱۳۹۱: ۱۴۰). ماجرای رمان در عشق‌آباد می‌گذرد. بی‌درنگ بعد از پیروزی انقلاب بلشویکی، بازمانده خانواده پدرسالاری ادریسی‌ها که در خانه بزرگ و مجلل همچون کاخ زندگی می‌کنند، دستخوش بحران‌های طوفان آسای برخاسته از انقلاب می‌شوند. انقلابیون چنان که آرمان‌شان برابری و عدالت و هدف‌شان محو تمام نشانه‌های اشرافیت قدیم است، خانه اشرافی متعلق به خاندان ادریسی‌ها را از تملک آنان خارج می‌کنند و گروهی از طبقات مختلف مردم را برای سکونت به آن خانه می‌فرستند. این اشخاص عموماً با آداب و رسوم زندگی اشراف آشنایی ندارند و برخورد آنان با ساکنان اصلی این خانه (خانم ادریسی، یاور، لقا و وهاب) موجب تحولاتی در خانه و نظام حاکم بر آن و نیز در شخصیت‌ها می‌شود.

۴-۱-۱. گفتمان‌های دارای بار ایدئولوژی (در رمان خانه ادریسی‌ها)

به دنبال تحولات چشمگیر در ادبیات جهان در قرن ۱۹، ادبیات ایران نیز دچار دگرگونی شد. در ایران برخی از وقایع مهم تاریخی، اجتماعی و سیاسی زمینه را برای ظهور رئالیسم و سبک داستان‌نویسی و رمان جدید فارسی فراهم کرد. بعد از انقلاب

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۷۹
مشروطه (۱۲۹۰-۱۲۸۵ ش.). جنبش‌های ادبی در ایران تغییرات مهمی را پشت سر گذاشت. ساختار اجتماعی و سیاسی به وجود آمده پس از انقلاب مشروطه، باعث شد تا این موج ادبی جدید بر تحولات سیاسی و اجتماعی روز متمرکز شده و ارتباط ادبیات با واقعیت‌های جامعه نزدیک‌تر و ناگسسته‌تر شود. از نظر فتوحی و صادقی «مجموعه عواملی مانند ارتباط ایرانیان با غرب، اعزام دانشجو به اروپا، ورود صنعت چاپ به ایران، ترجمه آثار ادبی، رواج روزنامه‌نگاری، جایگزینی سرمایه‌داری شهری فردگرا به جای پدرسالاری زمین‌دار، جایگزینی شکل‌های ادبی جدید (مانند نمایش‌نامه و رمان تاریخی و اجتماعی و داستان کوتاه) به جای کتابت مصنوع و ادبیات اخلاقی و تعلیمی و... از مهم‌ترین عوامل پیدایش و رشد این مکتب ادبی در میان ایرانیان است» (فتوحی و صادقیان، ۱۳۹۲: ۲؛ اکبرزاده، ۱۴۰۰: ۳۸).

جعفری لنگرودی «رنالیسم ایرانی را صد در صد خالص نمی‌داند و بر تأثیر مکتب رنالیسم اروپا در ایران تأکید می‌کند. او نیز انقلاب مشروطه و تفکرات خاص مشروطه‌خواهان را در پیدایش رنالیسم مؤثر دانسته و به عوامل دیگری هم اشاره می‌کند: یأس عمومی از به ثمر نرسیدن انقلاب، اصلاحات ارضی، روی کار آمدن طبقه بورژوا و از بین رفتن حکومت خان‌ها، بحران‌های سیاسی و اجتماعی روشنفکری، فساد سیاسی و اداری و ناامنی‌های اجتماعی، برخورد جامعه سنتی ایران با اروپا، آزادی موقت مردم بعد از حکومت رضاشاه تا پایان دوره دکتر مصدق، انقلاب سوسیالیستی شوروی، به حرکت درآمدن روشنفکران چپ ایران، جنگ‌های جهانی، آزادی خواهی در ایران و جهان، اعتصاب کارگران، ملی شدن صنعت نفت و مهمتر از همه رویارویی با تمدن اروپا» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۳۲۷). «روابط روسیه و ایران با موفقیت بیشتری در نیمه دوم قرن نوزدهم که همان «عصر طلایی» ادبیات روسیه خوانده می‌شود، ادامه پیدا کرد. میرزا فتحعلی آخوندزاده، زین العابدین مراغه‌ای و عبدالرحیم طالبوف تأثیر زیادی در پیدایش رنالیسم، رنالیسم انتقادی و نقد ادبی در ایران داشتند. پس از این پیشگامان رنالیسم ادبی، دیگر نویسندگان همچون علی اکبر دهخدا، بزرگ

علوی، هوش‌نگ گلشیری و... آثار رئالیستی متعددی خلق کردند» (اکبرزاده، ۱۴۰۰: ۳۹).

انعکاس ناامیدی عمومی از شکست انقلاب مشروطه، تلاش برای آینده و حفظ خوش‌بینی تاریخی ناشی از آثار جنبش انقلابی، تقابل سنت و مدرنیته، بازتاب فساد سیاسی و اداری، ناآرامی‌ها و بحران‌های اجتماعی در سال‌های پس از تصویب قانون اساسی، توصیف مختلف و طبقات جامعه و نشان دادن رنج‌ها، آمال‌ها و آرزوهای حقیقی توده‌های مردم، از موضوعات مهم بین رئالیست‌های ایرانی بود (همان). «عصر رئالیسم، عصر انتقادی اجتماعی است. نوشته‌های انتقادی دوره مشروطه پیرامون مسائل کلان سیاسی جامعه و موضوع حاکمیت می‌چرخیدند و به واقع‌نگاری و به علاوه اسطوره‌سازی تاریخی می‌پرداختند؛ اما در آغاز عصر رضاخانی، نویسندگان یک‌باره به معضلات اجتماعی همچون فقر، خرافات مذهبی، رشوه‌خواری، تملق‌گرایی، تنبلی، خودفروشی زنان و مفاسد عشرت‌کده‌ها و... توجه دقیق نشان می‌دهند. متجددین و اصلاح‌طلبان وقت می‌کوشند تا علل توسعه‌نیافتگی ایران را بیان کنند و زمینه را برای رشد و ترقی ایران در چارچوب مدرن‌سازی رضاخانی فراهم آورند» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۱). «رئالیست‌ها معتقد بودند که دیگر ذائقه مردم شعر را نمی‌پسندد؛ به همین دلیل، آن‌ها رمان و داستان کوتاه را برای بیان افکار خود برگزیدند» (مروت، ۱۳۸۵: ۹۸).

رشد خودآگاهی، بیداری اقشار مختلف و علاقه به گذشته کشور هم، به شکل‌گیری ژانر تاریخی و اجتماعی کمک کرد. رئالیسم نمادین پس از رویدادها و کودتای ۱۳۳۲ مورد توجه نویسندگان قرار گرفت. فضای پرتلهاب، جامعه نویسندگان را به سمت استفاده از نماد در بیان انتقادات خود برد. در سال‌های دهه چهل، دو‌گرایش از رئالیسم در عرصه داستان‌نویسی ایران شکل می‌گیرد: یکی رئالیسم بورژوا و دیگری رئالیسم جادویی. سردمدار رئالیسم در ایران غلامحسین ساعدی است... در سال‌های

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۸۱
پایانی دهه پنجاه و ابتدای دهه شصت نیز نوعی رئالیسم انتقادی فقرنگارانه که عمدتاً به
بازنمایی رنج‌های روستاییان می‌پرداخت، شکل گرفت (ر.ک: آذریناه، ۱۳۹۶:۷).

۲. تحلیل داده‌ها

دلالت‌های ضمنی در علم معانی، با عنوان مقاصد ثانوی جمله‌ها کاربرد دارد. هرچند این دو مبحث با یکدیگر کاملاً تطبیق‌دانی نیست؛ در هر دو مورد، به ضرورت پرداختن به امکانات زبانی متن در تبیین دلالت‌ها و لایه‌های معنایی آن اشاره می‌شود. علم معانی به این منظور از امکاناتی از قبیل کاربرد صفات اشاره‌ای و آن همراه واژه‌ها، مفاهیمی که از همراهی صفات مبهم ایجاد می‌شود، معانی و مفاهیم وابسته به علامت نکره در کلام، تقدیم و تأخر در جمله، احوال اجزای مختلف کلام نظیر احوال مسند و مسندالیه و نظایر آن یاری می‌گیرد. مقاصد ثانوی مرتبط با هر یک از امکانات مزبور، یعنی بار معنایی که هر عبارت یا واحدی از کلام می‌تواند در جمله ایجاد کند و نیز نشانه‌هایی که در متن می‌تواند به القای مفهوم خاصی منتهی شود، همه جزئی از اقتضای حال متن یا همان بافت متن است (ر.ک: حجتی‌زاده، ۱۳۹۶:۷۷).

«در تحلیل هر متنی، با بافت غیرعادی سروکار داریم. در این بافت، تحلیل‌کننده متن را می‌خواند و سپس می‌کوشد تا ویژگی‌های بافتی را که متن در آن روی داده است، مشخص کند» (زارعی‌فرد، ۱۳۸۵:۱۱). توجه به این بافت و عوامل دخیل در آن، برای درک اغراض ثانوی گزاره‌ها و تداعی‌های برآمده از واژگان، که از آن به هاله معنایی واژگان (اطهاری نیک‌عزم، ۲۰۱۰) نیز تعبیر می‌شود، ضروری است. در زبان فارسی، جملات پرسشی در دو ساختار قابل ملاحظه‌اند: ۱- گونه‌ای همراه با ادات پرسشی هستند و ۲- گونه‌ای دیگر دارای آهنگ خیزان هستند و نشانه پرسش آن‌ها آهنگ خیزان یا زیر است. «همین آهنگ نقش برجسته در تمایز جملات پرسشی از جملات خبری دارد. در دستگاه پرسش زبان فارسی، جملاتی هستند که الزاماً آهنگ خیزان دارند و ادات پرسش آن‌ها (آیا، مگر و هیچ) است. این کلمات پرسشی وقتی با فعل مثبت و ساخت ایجابی به کار می‌روند و در ساختمان گروه فعلی آن‌ها عنصر

منفی ساز وجود ندارد، انتظار گوینده دریافت جواب منفی است؛ اما وقتی فعل آن‌ها منفی است، گوینده انتظار جواب مثبت دارد (ر.ک: باطنی، ۱۳۷۰: ۸۳). تاحدودی این ساخت و قاعده در رمان خانه ادیسی‌ها صدق می‌کند؛ یعنی سؤالاتی در این رمان وجود دارد که با ادات پرسشی همراهند و فعل آن‌ها نیز مثبت است؛ اما غرض ثانوی آن‌ها منفی است.

تأمل در نوع ادات پرسش می‌تواند ما را به درک بیشتر و بهتر جهان‌بینی علیزاده راه بنماید و می‌توانیم با این روش، به اندیشه و نگرش نویسنده پی ببریم. در رمان خانه ادیسی‌ها، جملات پرسشی، معانی مختلفی دارند. بخشی از آن‌ها برای پرسش واقعی و بخشی نیز برای معانی دیگری به کار گرفته می‌شوند. در ادامه هر دو دسته به‌طور جداگانه شرح داده خواهند شد.

۱-۲. جملات پرسشی در معنا و مفهوم حقیقی

گاهی گزاره پرسشی در غرض اولی و جهت کسب اطلاع، اخبار و آگاهی به کار می‌رود. در رمان خانه ادیسی‌ها به‌ندرت این گزاره‌ها در معنی اصلی خود به کار رفته‌اند:

- وهاب سر روی دست گذاشت: «این تسلسل یهودهٔ خشونت، غرش تفنگ و

مسلسل، تا کی ادامه دارد؟» (علیزاده، ۱۴۰۰: ۳۷۹)

- «من چه کاره‌ام، اوست که باز باید نقش منجی را بازی کند» (همان: ۳۷۹).

- نوپرش را آورده‌اید؟ بروید پی کارتان! (همان: ۳۳۴).

۲-۲. معانی ثانوی جملات پرسشی

جملات هر زبان ممکن است به شکل‌های خبری، پرسشی، تعجبی و... ظاهر شوند. این نوع از جملات علاوه بر معنی اصلی خودشان، یک یا چند معنی ثانوی نیز دارند. چیزی که نشانگر معنی ثانوی یک جمله است، متن آن جمله و نیز فهم و درایت مخاطب است. فهم معانی ثانوی جملات پرسشی همواره به آسانی نیست و گاهی ممکن است، خوانندگان یک متن را به اشتباه بیندازند. دلیل این امر به نوعی هم‌پوشانی کارکردهای جملات پرسشی است. به‌عنوان نمونه، عبرت گرفتن، آموزش دادن و

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۸۳
سرزنش، هر کدام موضوعی خاص هستند؛ اما ممکن است نویسنده یک جمله را چنان
بگوید که هر سه معنای ثانوی آن‌ها را دربر داشته باشد و هر مخاطبی به یکی از این
موارد اشاره کند.

۱-۲-۲. استفهام انکاری

استفهام انکاری به نوعی از جملات پرسشی اطلاق می‌شود که گوینده مطلبی را به
شکل پرسشی چنان بیان می‌کند که جوابش منفی و انکاری باشد؛ «انکار بدین معنی
است که متکلم با مورد سؤال قرار دادن معنی، پیام و اندیشه موجود در سؤال آن را نفی
کند و منکر شود» (شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۸۸). زمخشری، غرض انکار را تحت عنوان نفی
ذکر می‌کند (شوقی، ۱۳۸۳: ۳۲۸). او چنین می‌گوید: استفهامی که بر جمله منفی وارد
می‌شود، تحقق مضمون آن را می‌رساند (همان). در مثال‌های زیر که از رمان خانه
ادریسی‌ها انتخاب شده‌اند، غرض ثانوی انکار و نفی را می‌توان برداشت کرد:

- لقا چینی به پیشانی انداخت: «مگر چه گناهی کرده بود؟» (علیزاده، ۱۴۰۰: ۱۹۰).
- یوسف سرخ شد و سرفه کرد: «با کتاب زندگی می‌کنم، دوستی بهتر از آن سراغ
دارید؟» (همان: ۳۸۶).

- اما اگر مارنکو به جای من می‌آمد خیلی بی‌نظیرتر می‌شد، نه؟ (همان: ۳۸۷).

۲-۲-۲. ملامت و سرزنش

یکی دیگر از معانی ثانوی جملات پرسشی، سرزنش و ملامت است. ذکر ملامت
به صورت مستقیم برای شخص / اشخاص مورد ملامت، ناخوشایند است؛ ولی عنوان
کردن این غرض با تبدیل آن به گزاره پرسشی از ناملامت آن می‌کاهد. در رمان خانه
ادریسی‌ها، اغلب جملاتی که هنگام شماتت و سرزنش به کار می‌رود، به شکل پرسشی
است. همانطور که پیشتر ذکر شد، نویسنده گاه برای بیان مفاهیم ایدئولوژیک از
جملات پرسشی بهره گرفته است. به مثال‌های زیر برگرفته از این رمان توجه کنید.
یکی از گفتمان‌هایی که علیزاده به آن می‌پردازد، مسئله غربزدگی است. در پاره‌هایی

از رمان خانه ادیسی‌ها، به این موضوع و مخالفت نویسنده نسبت به این ایدئولوژی پرداخته شده است:

- لقا به من راست بگو! دلت می‌خواست اینجا نبودیم؟ همه چیز را می‌فروختیم، می‌رفتیم به یک کشور امن؟».

لقا هاج و واج نگاه کرد: «مثلاً کجا؟».

«چه می‌دانم، یک جای راحت».

«پیش آدم‌های غریبه؟».

«این‌ها غریبه نیستند؟» (همان: ۱۸۶).

ایده غرب‌گرایی در بسیاری از رمان‌های ایرانی دهه‌های چهل و پنجاه، نمودی ایدئولوژیک دارد. یکی از مسائلی که روشنفکران ایرانی در یک قرن اخیر با آن درگیر بوده‌اند، نحوه مواجهه با غرب از یک سو و بررسی علل عقب‌ماندگی کشور از سوی دیگر بوده است. عده‌ای بر این باورند که حرکت به سمت الگوهای غرب می‌تواند جامعه ایرانی را به رشد و تعالی رسانده و به عظمت گذشته خود برگرداند. گروهی، پیشرفت و سعادت جامعه ایران را در تقلید همه‌جانبه از غرب پنداشتند. بنابر این، این گروه سعی کردند هم در شکل و هم در محتوا به سمت الگوهای غرب بروند (غرب‌زدگی)؛ اما دسته سوم، با تأکید بر نظام ارزش‌های بومی، راه‌حل اصولی برای رسیدن به سعادت و پیشرفت یافتند (ر.ک: جمشیدی، ۱۳۹۰: ۵۸). همان‌طور که در مثال ذکر شده می‌بینیم، علیزاده برای بیان مخالفت با ایدئولوژی غرب‌زدگی، به وصف مناظره شخصیتی همچون لقا با وهاب می‌پردازد؛ غرض ثانوی ملامت و سرزنش به‌خوبی و به‌وضوح در سخنان این دو شخصیت دیده می‌شود. نویسنده توسط گزاره پرسشی، دیدگاه خود را نسبت به این ایدئولوژی بیان می‌کند.

- وقتی به سر و کولتان النگ دولنگ می‌بستید، لباس حریر فرانسه می‌پوشیدید، پز می‌دادید و به استعمار سرگرم بودید، حس خوشبختی می‌کردید؛ حالا که ورق برگشته آن نوع زندگی آخ شده؟» (علیزاده، ۱۴۰۰: ۲۷۶).

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۸۵
- «مگر چه سرودی خواندیم؟ تقبیح رژیم نظامی و بزرگداشت جنبش کوه،
ضدیت با آتشیخانه است؟ شما که دم از حکومت مردم می‌زنید چرا به خواست آنها
احترام نمی‌گذارید؟»

«آتش‌خانه مظهر مردم است. به فرمان کی می‌خواندید؟» (همان: ۳۹۹).

- نکته همین است، از سر شما نگذشته. می‌توانید جبران کنید!»

«پس جبران کنم؟ یعنی بروم آتشیخانه، مثل دیگران چکمه بلی‌سم؟ بروم دستش را

بیوسم؟» (همان: ۳۸۶).

همان‌طور که می‌بینیم عزیزاده در این مثال دستبوسی و تملق را نکوهش و ملامت
می‌کند و مخاطب را از آن بر حذر می‌داند.

۳-۲-۲. نفی و انکار

بر حذر داشتن و نیز دستور دادن به ترک یا انجام ندادن کاری به روشی محترمانه،
اغلب در زبان فارسی با پرسش بیان می‌شود. با توجه به توضیحاتی که در ادامه می‌بینیم،
نویسنده، از زبان شخصیت‌ها با توجه به شرایط سیاسی اجتماعی زمانه، سخن گفتن از
آزادی و... را منع کرده است.

- با چه جرأتی پیش روی من قهرمان شوکت نامدار، اسم نحس آزادی را به زبان
آوردی؟ (همان: ۱۴۰۰: ۲۴۵).

- شوکت گوش او را کشید: «باز تو از زن‌ها حرف زدی؟ تالب گور هم دست
بردار نیستی؟» (همان: ۴۰۹).

- همه چیز را قبلاً به باد داده‌ای! داری بچه می‌ترسانی؟ (همان: ۳۸۸).

- تا کی این ورد را بشنوم، طبقه، دسته، ملیت، نژاد، جنسیت؟ من یک نفرم!
می‌فهمی؟ مثل حباب کف صابون، بی‌تکیه‌گاه، شناور، حتی خانواده نداشتم، بی‌اسم و
بی‌چهره بودم. برای چنین آدمی از طبقه حرف می‌زنی؟ (همان: ۲۷۷).

شاخص‌های عدالت و برابری عبارتند از: «دفاع از عدالت و اجرای آن؛ دفاع از
امتیازهای موروثی، نژادی، اعیانی و مذهبی در قوانین سیاسی، اجتماعی، حقوقی و

اقتصادی؛ طرفداری از ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد، جهت دسترسی به نظام سیاسی، تهیه مسکن، آموزش، شغل و دادگستری؛ دفاع از رعایت حقوق اقلیت‌ها؛ انتقاد از تبعیض، بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی؛ مخالفت با تجمل‌گرایی (اسراف، حیف و میل و جشن‌های تاجگذاری و شاهنشاهی)» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۳۶۷). اشاره به وضعیت نامناسب مردمان روستایی (شکاف و تضاد طبقاتی) از دیگر گفتمان‌های مطرح شده در رمان خانه ادریسی‌ها است که نمودی چشمگیر دارد. در دنیای این رمان، به واسطه تناقض عقیده و ایدئولوژی میان طبقات اجتماعی که در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند، شکاف عمیقی ایجاد شده است و تمامی شخصیت‌های رمان در تقابلی دو دسته‌ای و در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند؛ هر کدام از این دسته‌ها نمایان‌گر یک قشر و طبقه اجتماعی هستند.

۴-۲-۲. بیان تعجب

یکی دیگر از کارکردهای جملات پرسشی بیان تعجب است؛ یعنی گوینده تعجب خود را به شکل پرسشی بیان می‌کند. نمونه‌هایی از رمان خانه ادریسی‌ها که در آن‌ها جملات پرسشی با هدف تعجب بیان شده‌اند. در مثال زیر، یکی از برجسته‌ترین معانی ایدئولوژیک (مبارزه با شکاف طبقاتی) در رمان خانه ادریسی‌ها ذکر شده است. نویسنده برای اشاره به تضاد و برتری مقام شوکت نسبت به دیگر افراد، از جمله پرسشی استفاده کرده است.

- تا وقتی به ما احتیاج داشتید، بیخ گوشمان یکریز می‌خواندید همه مردم برابرند. حالا قهرمان شوکت شده تاج سر؟ چون که خودش را بند کرده به آتش‌خانه مرکزی؟ (همان: ۲۳۲).

در این رمان، بارها شاهد جدال و کشمکش میان دو طبقه (آتشکاران و عامه مردم) و اعمال سلطه سیاسی و اجتماعی بر طبقه زیردست و ضعیف جامعه هستیم. رابطه میان صاحبان قدرت با مردم عامه، ارتباطی سلطه‌گرانه و اقتدارآمیز است. در امور سیاسی نیز، مناسبات طبقاتی، عنصر اقتدار را تعیین می‌کنند. برای مثال شوکت و دیگر

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۸۲
آتش کارانی همچون حدّادیان، به دلیل برخورداری از مقام والاتر، معتقداند که
صاحبان قدرت سرگل و تاج سر موجودات هستند که با فرودستان رفتاری خشن داشته
باشند.

— «اغلب مردم، در تلاطم نوجوانی، دست به این کارها می‌زنند. بردار بخوان! اما
کی ست که ادامه دهد؟».

رکسانا رفتار را درق زد: «چی را بخوانم؟».

«شعرهای نوجوانی یوسف را!».

زن دفتر را بست: «همان پسر خوش قیافه؟ شعر گفته؟ به او نمی‌آید! خیلی سخت و
یکدنده است» (همان: ۳۸۰).

— قباد تبسمی کرد: «مرّه بدی ندارد، شبیه گوشت ماهی ست».

شوکت نوک بینی را خاراند: «پس می‌رویم مارخوری؟» (همان: ۴۰۵).

۵-۲-۲. استبعاد / انتظار

در استبعاد، بیشتر معنا در نظر است تا مسافت با فاصله مکانی. تفتازانی در
مختصرالمعانی بدین غرض ثانوی اشاره کرده است و آن را بعید الوقوع دانستن مورد
سؤال، تعریف کرده است (ر.ک: شیرازی، ۲/۱۳۷۵:۳۰۲). در مثال زیر از خانه
ادریسی‌ها، نویسنده معتقد است که سالم شدن این جامعه بیمار، به گذشت زمان نیازمند
است و اصلاح جامعه به‌ندرت و با مرور زمان صورت می‌گیرد:

— مردم بدعادت شده‌اند. فرهنگ نوین را باید ذره‌ذره به آن‌ها آموخت؛ مثل
قطره‌های سرنگ در خون‌شان وارد کرد. چرا قدرت تحلیل شما کم شده؟ انتظار دارید
جامعه بیمار ما یک‌شبه سالم شود؟» (علیزاده، ۱۴۰۰:۳۸۳).

۶-۲-۲. تعظیم

غرض تعظیم را تفتازانی در مختصرالمعانی «تهویل» خوانده و آن را با تفخیم برابر
دانسته است؛ یعنی متکلم با سؤال، شأن مورد سؤال را به دلیل اغراضی که در ذهن
دارد، با اهمیّت تلقی می‌کند (ر.ک: شیرازی، ۲/۱۳۷۵:۳۰۰). اینک به نمونه‌ای از این

معنی از خانه ادریسی‌ها توجه کنید. در سراسر این رمان، از عظمت و شکوه شوکت یاد شده است. قهرمان شوکت، زن تنومندی که همیشه زرد می‌پوشد و چون خورشید می‌درخشد، همه ویژگی‌های زنانه را رد می‌کند. بسیار بدزبان و خشن است، هرچند دلی مهربان و عدالت‌خواه دارد. این مهربانی برای برزو است که شوکت را مانند مادر دوست دارد. قطعاً انتخاب چنین نامی (شوکت) با توجه به صفات مد نظر نویسنده، امری اتفاقی و بدون دلیل نبوده و نویسنده در انتخاب نام برای افراد متناسب با شخصیت و صفات آن‌ها کاملاً واقف بوده است:

- «اما قهرمان شوکت نامدار در تمام شهر گاو پیشانی سفید است. کی جرأت دارد چپ به او نگاه کند؟» (علیزاده، ۱۴۰۰: ۳۵۸).

۲-۲-۷. امر به طریق غیرمستقیم

گاهی سؤال در غرض ثانوی امر، به کار می‌رود. گوینده برای اینکه با مخالفت یا اکراه طرف مقابل روبه‌رو نشود، حاجت خود را به شیوه‌ای دیگر در قالب سؤال مطرح می‌کند. این روش طلب غیرمستقیم است. وقتی طلب‌کننده تشخیص دهد که طلب در قالب سؤال مؤثر واقع خواهد شد، آن را به صورت سؤال مطرح می‌کند (ر.ک: طاهری، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

- «چرا کپه مرگتان را نمی‌گذارید؟» (علیزاده، ۱۴۰۰: ۴۰۴) ← (… بگذارید).
- شما به‌زور به مردم می‌خورانید، چرا برای انتخاب آزادشان نمی‌گذارید؟ (همان: ۲۴۵) ← (برای انتخاب آزادشان بگذارید).

یکی دیگر از مفاهیم ایدئولوژیک مطرح و برجسته در رمان «خانه ادریسی‌ها»، مفهوم آزادی است. آزادی «بزرگ‌ترین نعمتی است که خداوند، به صورت رایگان و بدون قید و شرط به بندگانش عطا فرموده است و او را مقید به قید و شرطی نکرده است. تمام مردم، آزاد و از لحاظ حقوق خود متساوی به دنیا می‌آیند و همواره چنین خواهند بود» (مینوی، ۱۳۳۸: ۶۹). شاخص‌های مقوله‌ها هریک از ارزش‌های روشنفکری، پارادایم‌ها را به‌عنوان مقوله یا ویژگی در نظر گرفته و شاخص‌های

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۸۹
قابل مشاهده آن معرفی می‌شود: «شاخص‌های آزادی عبارتند از: اعتقاد به آزادی مطبوعات، آزادی بیان، قلم و تبلیغ، آزادی احزاب و جناح‌های فکری مختلف، آزادی انتقاد در جامعه، دفاع از نبود اجبار در رأی‌گیری و انتخابات، دفاع از آزادی نوع زندگی، محل سکونت و انتخاب شغل، اعتقاد به آزادی مردم در تصمیم‌گیری و اعتماد به نظر آن‌ها، انتقاد از نبود آزادی مطبوعات و روزنامه‌ها، انتقاد از نبود آزادی بیان، قلم و تبلیغ» (هاشم زهی: ۳۶۵). در این رمان، رکسانا از شوکت می‌خواهد به جای اینکه چیزی را به زور به مردم تحمیل کنند، آن‌ها را در انتخاب مقصود خود آزاد بگذارند و آن‌ها را به انجام دادن یا ندادن کاری وادار نکند.

- قهرمان شوکت جستی زد و دکمه‌ای از کت مرد کند، زیر پاشنه چکمه له کرد:
«یک مشت حلبی آب طلا خورده را به رخ شوکت می‌کشی؟ عبرت گرفتی؟ بفرما!»
(علیزاده، ۴۰۱:۱۴۰۰) ← → (عبرت بگیر).

۸-۲-۲. اظهار شکایت و گلایه

تعدادی از جملات پرسشی در رمان خانه ادیسی‌ها با هدف اظهار شکایت و گلایه بیان می‌شوند. با توجه به اینکه محتوای این رمان بیشتر سیاسی اجتماعی است و متناسب با اوضاع و شرایط روزگار نوشته شده، علیزاده اغلب در این رمان زبان به شکوه و شکایت گشوده و بسیاری از مفاهیم ایدئولوژیک خود، از جمله عدالت‌خواهی، آزادی‌طلبی، مبارزه با شکاف طبقاتی را در قالب جملات پرسشی بیان کرده است. اینک به نمونه‌هایی از این رمان اشاره می‌شود:

- شوکت تازیانه‌اش را از روی رِف برداشت و ضربداری در فضا رسم کرد. «حکم انفضال مرا ابلاغ کرده‌اند؟ پس بده!» (همان: ۳۹۹).

- قهرمان رشید اعتراض کرد: «خوب است! همه زبان در آورده‌اند، قبلاً چرا پیش رویش نُطق نمی‌کشیدید؟ حالا که فهمیدید زیر پای او سست شده، سر برداشته‌اید؟ تف به این دنیا!» (همان: ۳۸۶).

«ولش کن بابا! حیف من نیست که خونم را به خاطر این موش فاضلاب کثیف کنم؟!» (همان: ۳۸۹).

۹-۲-۲. منافات یا عدم تناسب

در تعدادی از جملات یافت شده در رمان خانه ادیسی‌ها، منظور ثانوی جملات پرسشی، عدم تناسب است؛ یعنی نویسنده ناهماهنگی و عدم توازن امری را به شکل پرسشی بیان می‌کند. اینک شواهدی از منافات در این رمان ذکر شده است:

«مگر شما آشوبگرید؟» «انگ به من زن تخم سگ! اگر دلخوری گزارش بده!» (همان: ۳۸۳).

«خانم ادیسی کنار گلدان «برگ بیدی» ایستاده بود، زن را نگاه کرد: «در چه فکری هستی؟»

«به جوانی فکر می‌کردم».

«مگر از جوانی دوری؟» (همان: ۴۰۲).

«خانم ادیسی خندید و به وهاب رو کرد: «خیال نداری بخوابی؟».

«فکر کرده‌اید گوسفندم؟».

«اگر هم باشی فکر به آن نکرده بودم» (همان: ۴۰۴).

۱۰-۲-۲. تحقیر

در تعدادی از جملات یافت شده در رمان خانه ادیسی‌ها، معنای ثانوی جملات پرسشی، تحقیر است. به نمونه‌هایی از این معنی ثانوی در معنی تحقیر توجه کنید:

«مگر چه سرودی خواندیم؟ تقبیح رژیم نظامی و بزرگداشت جنبش کوه، ضدیت با آتش‌خانه است؟ شما که دم از حکومت مردم می‌زنید چرا به خواست آن‌ها احترام نمی‌گذارید؟».

«آتشخانه مظهر مردم است. به فرمان کی می‌خواندید؟».

رکسانا رو کرد به آتشکارها: «شما این سرود را بلد نیستید؟» (همان: ۳۹۹).

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۹۱
- وهاب به دیوار مشتی زد: «ریخته‌اید اینجا، با شما کنار آمده‌ایم، بس نیست که
حالا از حراج صحبت می‌کنید؟ ما را لخت و عور می‌اندازید توی کوچه؟ چرا چیزی
از خودت حراج نمی‌کنی؟ (همان: ۳۸۵).

- «پس با تو حرف بزنم؟».

«بله، دست کم به تمدن نزدیک‌تر است».

«درک نکردن درد مردم؟».

«پس برای مردم درد بیخودی اختراع کردن؟».

«چرا وقتی از هیچ چیز خبر نداری اظهار نظر می‌کنی؟» (همان: ۳۷۸).

با توجه به این شواهد، ذکر این نکته ضروری است که در بررسی اغراض ثانوی،
اغلب گزاره‌های پرسشی معانی نزدیک به هم دارند؛ یعنی گاه از یک سؤال چند معنا
برداشت می‌شود و برای هر معنا می‌توان علت جداگانه‌ای در نظر گرفت. به دلیل
ایدئولوژیک بودن گفتمان‌های انتقادی رمان خانه ادیسی، گاهی معانی گزاره‌های
پرسشی همپوشانی دارند. به عبارتی دیگر، علیزاده در این رمان چند غرض و معنی ثانوی
را در قالب یک گزاره پرسشی گنجانیده است. در مثال اخیر نیز معنی ثانوی نفی به
طریق غیرمستقیم (اظهار نکردن در صورت بی‌خبری) و همچنین معنی تحقیر از متن
برداشت می‌شود؛ همچنین در مثال زیر علاوه بر معنی تحقیر به غرض عدم توانایی و
تحقیر نیز اشاره دارد:

- یاور برافروخت: «حرف مفت زن!».

«پس چرا رو پنهان می‌کند؟ اصلاً او چه کاره است؟ به چی خودش می‌نازد؟ این

تفاله‌ها بعد از این جایی در جامعه ندارند» (همان: ۶۱).

۱۱-۲-۲. طنز

گاهی هدف از جملات پرسشی، بیان طنز و تمسخر است به طوری که شاعر،

نویسنده و گوینده، مطالب طنزآلود را به شکل سؤالی بیان می‌کند:

- صورت پرده تکان خورد، به لقا رو کرد، با صدایی آرام گفت: «شما پیانو می‌زنید؟» لقا سر برافراشت: «بله، شما مفتشید؟» (همان: ۹۳).

- شوکت لگدی به در زد: «تنه لش! فقط به درد لای جرز می‌خورد، (از پیرمرد پرسید) وقت خواب بالش روی پوزه‌اش می‌گذارد؟ گرگ بی‌عقل پیر. با چی زنده است؟ باد؟» (همان: ۱۱۱، ۱۱۵).

- شوکت نعره زد: «این بی‌سر و پا از کی تا به حال قهرمان شده؟» (همان: ۳۸۹).

۱۲-۲-۲. تنبّه و عبرت

از کارکردهای ثانوی دیگر جملات پرسشی در رمان خانه ادیسی‌ها، معنی تنبّه و عبرت است؛ یعنی گوینده جملاتی را که برای پند و اندرز دادن در نظر گرفته به شکل خبری بیان نمی‌کند؛ بلکه شکل پرسشی را برایش انتخاب می‌کند. گویا شکل پرسشی پند و اندرز گویاتر و تأثیرگذارتر است. مثل این است که در زبان روزمره بگویند: «آن همه پادشاهان پول‌دار کجا رفتند؟» در رمان خانه ادیسی‌ها نیز نمونه‌هایی از تنبّه و هشدار دیده می‌شود:

- «دلم می‌خواهد تا زنده‌ام خوش باشم. به درک که هیچ می‌شویم. توقع داری عمر نوح کنیم؟! چه کار به آینده داری؟» (همان: ۱۰۴).

- یوسف پوزخند زد: «پس شما به فردایتان امید ندرید و این قدر قلدرید؟» (همان: ۱۰۴).

۱۳-۲-۲. برای تأکید و تقریر خبر و جلب توجه

در این صورت، بعد از جمله پرسشی، معمولاً جمله خبری می‌آید و به این گونه جملات پرسشی، سؤال توضیحی یا تفسیری (expository) می‌گویند (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۱). در شواهد زیر، کلمه پرسشی "نه" در تأکید جملات قبل از خود- ۱. سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و ۲. زیر بار زور نمی‌روم، است:

- دنیای عجیبی شده، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، نه؟ (علیزاده، ۱۴۰۰: ۱۶۷).

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۹۳
- خانم ادریسی شانه را روی میز پرت کرد و چشم به چشم‌های وهاب دوخت: «تا زنده‌ام خانه را حفظ می‌کنم، ضمناً باید فهمیده باشی زیر بار زور نمی‌روم، من هم روشی دارم، نه؟» (همان: ۱۶۹).

- «گرد و خاک نکن! دیدی عصبی شدی؟! پس حقیقت پشت حرف‌هایم می‌بینی؛ و گرنه می‌خندیدی» (همان: ۳۷۹).

۱۴-۲-۲. استفهام تقریری

در استفهام تقریری مخاطب به صحت قول گوینده اقرار می‌کند. به مطلب مورد اقرار، مُقَرَّبَه می‌گویند (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۳۷). «این نوع استفهام، در بزنگاه‌هایی به کار می‌رود که متکلم و مخاطب، هر دو از مطلب آگاهند و سؤال متکلم، تنها برای واداشتن مخاطب به اعتراف بر آن مطلب است» (التفتازانی، ۱۳۸۷: ۴۱۸؛ ابن هشام، ۱۴۲۱/۱: ۱۶؛ رجایی، ۱۳۷۹: ۱۴۴). از این غرض در کتب بلاغی قدیم سخن رفته است. علاوه بر ادبیات، در گفتار عادی و روزمره نیز این غرض در قالب سؤال مطرح می‌شود و تأثیرگذاری کلام را مضاعف می‌سازد. تقریر یعنی واداشتن مخاطب بر اقرار نمودن به آنچه از حکم نزد او معلوم است. دارای دو معناست: ۱- وادار نمودن مخاطب به اقرار آنچه می‌داند و ۲- تثبیت و تحقیق؛ یعنی تثبیت چیزی که او و مخاطب هر دو می‌دانند (شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۸۷). تفاوت این دو معنا به نیت گوینده سؤال بستگی دارد. تفتازانی تقریر در هر دو معنا را مجاز مرسل می‌خواند. از باب اینکه در این غرض ملزم در لازم استعمال می‌شود. نمونه‌های ذیل جلوه‌هایی از کاربرد تقریر در رمان خانه ادریسی‌هاست:

- فکر می‌کنید رنج‌های عظیمی را تحمل کرده‌اید؟

«نه، این قدرها احمق نیست. تازه، رنج چه ارزشی دارد اگر نرسی به عیش مدام؟» (علیزاه، ۱۴۰۰: ۴۲۹).

- دستمان خالی نیست، یک گنج کامل داریم.

قباد لبخند زد. «صحبت از گنج، قدیمی شده؛ بگذارید فقط در افسانه‌ها بماند!»

«ما هم جزو افسانه‌هاییم».

«حرفی ندارم؛ اما افسانه‌ی خنده‌دار!».

«آزادی خواهی؟».

چرا خنده‌دار نباشد، وقتی متاعی ست بی‌خریدار؟! (همان: ۳۶۸).

۱۵-۲-۲. اظهار تأسف و ناراحتی

با توجه به فضای سیاسی اجتماعی موجود در رمان خانه‌ادریسی‌ها، گاهی نویسنده برای بیان ناراحتی خود از گزاره‌های پرسشی استفاده کرده است. به نمونه‌هایی از این غرض ثانوی توجه کنید:

- «پوسته ترک خورده است. کارهای شوکت بازی بود».

لقاب گزید: «طفلکی! پس می‌برندش به خانه‌های عمومی؟» (همان: ۴۰۶).

- لقا و وهاب قادر به ادامه بودند، او چطور؟ در آخر راه برای دومین بار باید

سرجایش می‌ماند؟ تا لحظه مرگ در قفسی تنگ تر می‌ماند؟ (همان: ۴۰۷).

۱۶-۲-۲. شمول حکم

این غرض ثانوی حکایت از شمول و دربرگیرندگی دارد؛ یعنی مورد سؤال جامع و دربرگیرنده است و هیچ مصداقی از حوزه شمول مورد سؤال خارج نیست. این غرض نیز در گفتار کاربرد فراوان دارد. «گاهی قیودی مانند «همه»، «هرچه» یا «جمله» علاوه بر تأکید بر شمول، نفی هر حکم دیگر را نیز القا می‌کنند؛ بنابراین، حصر آفرین خواهند بود» (کاکه‌رش، ۱۳۹۷: ۱۲۶). نمونه‌هایی از رمان ادریسی‌ها ذکر شده است:

- از جنگ بدم می‌آید. درک نمی‌کنم منظور از کشته شدن یا کشتن دیگران

چیست؟ همه انسانند، می‌خواهند زنده بمانند (علیزاده، ۱۴۰۰: ۳۰۳).

- قهرمان یونس روی صندلی جابه‌جا شد: «کجا می‌روی؟ از خودت فرار می‌کنی؟

همه‌جا آسمان همین رنگ است» (همان: ۱۱۸).

۱۷-۲-۲. تضاد

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۹۵

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در رمان خانه ادیسی‌ها، نشانه‌هایی از نگرانی نویسنده نسبت به شرایط مردم دیده می‌شود. او همواره در اندیشه آشکار سازی نقاط ضعف مردم از طریق خلق شخصیت‌ها و حوادث گوناگون بوده و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، زمینه‌ها و شرایط پیدایش این مفاهیم را بیان می‌کند. انعکاس دردهای مردم از جمله فقر و شکاف طبقاتی، نابرابری جنسیتی و عدم توزیع عادلانه ثروت بین مردم از مهم‌ترین واقعیت‌هایی هستند که علیزاده بیان کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخش اعظم رمان دارای بار معنایی ایدئولوژیک است که در بررسی این مفاهیم، باید الزامات فرهنگی و بستری که روایت‌ها در آن خلق شده‌اند، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند. جلوه‌های نابرابری اجتماعی، جنسیتی (مردسالاری) و اختلاف‌های طبقاتی، یکی از مسائل اساسی جوامع بشر است که در رمان‌های سیاسی و اجتماعی بازتاب یافته است؛ هرچند نابرابری طبقاتی بیش از همه تابعی از میزان شکاف درآمد بین طبقات است. به هر حال، نابرابری در قدرت، ثروت، جایگاه اجتماعی به‌عنوان متغیرهای اختلاف طبقاتی هستند. در مثال زیر از رمان خانه ادیسی‌ها به این موضوع ایدئولوژیک و متضاد اشاره شده است:

- برزو پوزخند زد: «پس تو ضعف را ترجیح می‌دهی؟».

«کاملاً بر عکس، دلم می‌خواهد ضعفاً ضعیف نباشند» (همان: ۱۸۳).

- حیف چشم‌های شما نیست؟ پر اخم و تخم مثل پلنگ خشمگین؟ لطیف نگاه

کنید! (همان: ۱۲۲).

جدول بسامد «اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی» در رمان خانه ادیسی‌ها

غرض ثانوی	بسامد	غرض ثانوی	بسامد	غرض ثانوی	بسامد
عجز و تسلیم	۸	شمول حکم	۷	تحریر و تعجب	۲۱
تحقیر	۱۸	ملامت و سرزنش	۱۹	تأکید	۷

۱۴	منافات	۸	استفهام انکاری	۲۲	طنز و مسخره
۴	استبعاد	۱۱	امر	۱۳	هشدار
۹	اظهار گلایه و شکایت	۱۷	نفی و انکار	۱۲	تضاد
۳	اعتراض	۵	تعظیم	۱۳	هشدار
۵	تأسف و ناراحتی	۳	تجاهل العارف	۵	استفهام تقریری

نتیجه گیری

علیزاده گاه با استفاده از گزاره پرسشی، انتقادها، باورها و نگرش خود را به مخاطب انتقال می‌دهد. بافت‌های بیرونی متن و زمینه‌های سیاسی اجتماعی در شکل‌گیری اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی مؤثر و تأثیرگذار هستند؛ از این رو، آشنایی با شرایط سیاسی و اجتماعی محدوده تاریخی در تحلیل اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی ضروری است. طبق بررسی‌های صورت گرفته، پربسامدترین اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در رمان خانه ادریسی‌ها، طنز و مسخره، تحیر و تعجب، ملامت و سرزنش، تحقیر، نفی و انکار، منافات، اظهار گله و شکایت و... است. همان‌طور که در خلال پژوهش نیز ذکر شد، بسیاری از مفاهیم موجود در این رمان دارای بار ایدئولوژیک هستند. این معانی عبارتند از: عدالت‌جویی، آزادی خواهی، مبارزه با شکاف طبقاتی، فمینیسم و... که نویسنده در موارد بسیاری برای بیان مفاهیم سیاسی و اجتماعی از اغراض ثانوی جملات و به روشی ضمنی سود جسته است. علیزاده از این طریق، به کار بردن مفاهیم ایدئولوژیک در قالب جملات پرسشی، نظر و بینش خود را نسبت به هر کدام از این مفاهیم بیان کرده است و در برخی موارد با استفاده از معانی ثانوی استبعاد، نفی یا تضاد به شکاف و تضاد طبقاتی موجود و همچنین بی‌عدالتی و نبود آزادی اشاره دارد. او با این شگرد، خواننده و مخاطب خود را به تأمل بیشتر در باره این مفاهیم وادار می‌کند.

تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۹۷
- مشارکت‌های نویسنده:

این پژوهش با همکاری هر دو نویسنده آماده شده است.

- تضاد منافع:

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی پیرامون تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

- تقدیر و تشکر:

این پژوهش فاقد تشکر و قدردانی است.

- منابع مالی:

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

منابع

- آبراهامیان، پروانه (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه محمدابراهیم فتاحی و لیلایی. چ ۴. تهران: نی.
- آزاد برمکی، تقی (۱۳۸۴). *تغییرات اجتماعی در ایران*. تهران: جامعه‌شناسان.
- اطهاری نیک عزم، مرضیه (۲۰۱۰). «هاله معنایی واژگان و زاویه دید: دو مفهوم نزدیک به هم». *مطالعات زبان فرانسه*. (۲) ۱-۲۶-۵.
- التفتازانی، سعدالدین (۱۳۸۷). *المطول*. بی‌جا: دار الکوخ.
- ابن هشام، عبدالله بن یوسف (۱۴۲۱). *معنی اللیب عن کتب الأعراب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۰). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیر کبیر.
- جعفری آذرمانی، مریم (۱۳۹۴). *معنای دیگر، تحلیل معانی ضمنی در شعر حسین منزوی*. تهران: فصل پنجم.
- حجتی‌زاده، راضیه (۱۳۹۶). «وجه پنهان معنا و زبان پنهان واژه‌ها، بررسی نقش یاری‌رسان دلالت‌های ضمنی در تبیین اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی». *زبان و ادبیات فارسی*. (۸۳) ۲۵-۹۴-۷۳.
- درستی، احمد (۱۳۸۱). *شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رجائی، محمد خلیل (۱۳۷۹). *معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع*. شیراز: دانشگاه شیراز.

- رضایی هفتادار، حسن و دیگران (۱۳۹۴). «اسرار بلاغی استفهام در قرآن کریم». ادب عربی. ۲(۷). ۸۰-۶۱.
- رضوانیان، قدسیه؛ ستاری، رضا و قربانیان، مریم (۱۴۰۲). «بررسی دلالت ضمنی نرگس دژم در مقدمه رستم و اسفندیار». دانشگاه سمنان: مطالعات زبانی و بلاغی. ۱۴(۳۳). ۲۱۲-۱۷۷.
- زارعی فرد، رها (۱۳۸۵). بررسی ناگفته‌های گفتمان فارسی (مبتنی بر دو نمایش نامه فارسی معاصر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان همگانی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- شوقی، ضیف (۱۳۸۳). تاریخ تطور علوم بلاغت. ترجمه محمدرضا ترکی. تهران: سمت.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). معانی. تهران: میترا.
- شیرازی، محمدامین (۱۳۷۵). آیین بلاغت (شرح مختصر المعانی). تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- طاهری، حمید (۱۳۸۶). «سؤال و اغراض ثانوی آن در غزلیات حافظ». فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء. ۱۷ و ۱۸(۶۸ و ۶۹). ۸۷-۱۱۹.
- علیزاده، غزاله (۱۴۰۰). خانه ادیسی‌ها. چاپ پنجم. تهران: توس.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۰). طبقات اجتماعی و رژیم شاه. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فتوحی رودمعجنی، محمود؛ صادقیان، هاشم (۱۳۹۲). «شکل‌گیری رئالیسم در داستان‌نویسی ایرانی». جستارهای ادبی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۹). بلاغت تصویر. چاپ دوم. تهران: سخن.
- فرضی، حمیدرضا، و امانی، رستم (۱۳۹۱). «بازتاب رئالیسم در رمانه خانه ادیسی‌ها». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. ۱۶۰-۱۳۵.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. مترجم فاطمه شایسته پیران و دیگران. چاپ اول. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای.
- کاکه رش، فرهاد؛ آریان، حسین (۱۳۹۷). «شگردهای حصر و قصر در غزلیات سعدی. معیار سنجش کلام هنری بلاغت فارسی». متن پژوهی ادبی. ۲۲(۷۶). ۱۴۲-۱۱۵.
- مینوی، مجتبی (۱۳۳۸). آزادی و آزادی فکری. تهران: تابان.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷). صد سال داستان‌نویسی ایران. چاپ پنجم. تهران: چشمه.
- وحدت، فرزین (۱۳۹۵). رویارویی فکری ایران با مدرنیته. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. ج ۵. تهران: ققنوس.
- وحیدنژاد، محمد (۱۳۹۹). «تحلیل شکل‌گیری سازه‌های نشانه‌ای و نمادین در داستان خانه ادیسی‌ها نوشته غزاله علیزاده. بر اساس آرای نشانه‌کاوی ژولیا کریستوا». جستارهای زبانی. ۳. ۲۸۱-۲۵۵.

- تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۲۹۹
- هاشم‌زهی، نوروز (۱۳۸۶). *شرایط اجتماعی و پارادایم‌های روشنفکری در آستانه دو انقلاب ایران: انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی*. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- یورگنسن، ماریان و لوییز، فیلیپس. (۱۳۸۹). «نظریه و روش در تحلیل گفتمان». ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.

References

- Abrahamian, Yerevan (2010). *History of Modern Iran*. translated by Mohammad Ibrahim Fatahi and Leilai. 4th edition. Tehran: Ni.
- Alizadeh, Ghazaleh (2021). *Khaneh Idrisiha*. fifth edition. Tehran: Tos.
- Ayuzi, Mohammad Rahim (2010). *Social Classes and the Shah's Regime*. Tehran: Publications of the Islamic Revolution Documentation Center.
- Azad Barmaki, Taghi (2004). *Social Changes in Iran*. Tehran: Sociologists.
- Athari Nik Azm, Marzieh (2010). "Semantic aura of words and angle of vision: two closely related concepts". *French language studies*. first year. number 2. pp. 5-26.
- Al-Taftazani, Saad al-Din (2008). *al-Mutola*. Bija: Dar al-Kukh.
- Ibn Hisham, Abdullah ibn Yusuf (1421). *Mughni al-Labib on the Books of Al-Aarib*. Beirut: Dar al-Hiya al-Tarath al-Arabi.
- Batani, Mohammadreza (1991). *description of the grammatical structure of the Persian language*. Tehran: Amirkabir.
- Jafari Azarmani, Maryam (2014). *another meaning*. analysis of implied meanings in Hossein Manzavi's poetry. Tehran: Chapter 5.
- Hojjatizadeh, Razieh (2016). "Hidden facet of meaning and hidden language of words. examining the auxiliary role of implicit connotations in explaining the secondary purposes of interrogative sentences". *Persian language and literature*. year 25. number 83. pp. 73-94.
- Dorsti, Ahmad (2011). *Political Poetry in the Second Pahlavi Period*. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center.
- Fatuhi Roudmaujni, Mahmoud and Sadeghian, Hashem (2012). *The Formation of Realism in Iranian Fiction*. Literary Essays. Mashhad: Ferdowsi University.
- Fatuhi, Mahmoud (2010). *The Rhetoric of Image*. second edition. Tehran: Sokhn.
- Farzi, Hamidreza, and Amani, Rostam (2012). "Reflection of Realism in the novel House of Idrisi". *Literary Criticism and Stylistic Researches*. pp. 135-160.

- Fairclough, Norman. (2000). *Critical analysis of discourse*. The translator of Fatima Shaisteh Piran and others. First edition. Tehran: Media Studies and Research Center.
- Hashemzahi, Nowruz (2007). *Social conditions and intellectual paradigms on the threshold of two revolutions in Iran: the constitutional revolution and the Islamic revolution*. first edition. Tehran: Organization and Publishing Institute of Imam Khomeini (PBUH). Aruj Publishing Institute.
- Kake Resh, Farhad and Arian, Hossein (2017). "The methods of confinement and palace in Saadi's lyric poetry. the criterion for measuring the artistic words of Persian rhetoric". *Literary Text Research*. Volume 22. Number 76. pp. 115-142.
- Minawi, Mojtabi (1959). *Freedom and intellectual freedom*. Tehran: Taban.
- Mira Abdini, Hassan (1998). *One Hundred Years of Iran's Story Writing*. Fifth Edition. Tehran: Cheshme.
- Rajaei, Mohammad Khalil (2000). *The teachers of rhetoric in the science of meaning and expression and innovation*. Shiraz: Shiraz University.
- Rezaei Haftader, Hassan and others (2014). "Rhetorical Secrets of Questioning in the Holy Quran". *Arabic Literature*. No. 2. Year 7. pp. 61-80.
- Rezvanian, Qudsiyeh, Sattari, Reza and Ghorbin, Maryam (1402). "Investigating the implied meaning of Narges Dezhm in the introduction of Rostam and Esfandiar". *Linguistic and Rhetorical Studies*. year 14. number 33. pp. 117-212.
- Shoghi, Zaif (2004). *History of the Development of Rhetorical Sciences*. translated by Mohammad Reza Turki. Tehran: Smit.
- Shamisa, Siros (2006). *Ma'ani*. Tehran: Mitra.
- Shirazi, Mohammad Amin (1996). *Rhetoric (a brief description of meanings)*. Tehran: Islamic Publications Office.
- Taheri, Hamid (2006). "Question and its secondary purposes in Hafez's sonnets". *Al-Zahra University Humanities Scientific-Research Quarterly*. 17th and 18th year. numbers 68 and 69. pp. 87-119.
- Vahdat, Farzin (2015). *Iran's intellectual confrontation with modernity*. translated by Mehdi Haqiktakhah. fifth edition. Tehran: Qaqnos.
- Vahidenjad, Mohammad (2019). "Analysis of the formation of "symbolic and symbolic" structures in the story of the House of Idrisi by Ghazaleh Alizadeh. based on Julia Kristeva's semiotic analysis". *Linguistic essays*. No. 3. pp. 255-281.

- تحلیل نقش اغراض ثانوی گزاره‌های پرسشی در بیان وجوه پنهان معانی ایدئولوژیک — ۳۰۱
- Yorgensen, Marian and Louise, Phillips. (2010). *Theory and Method in Discourse Analysis*. Translated by Hadi Jalili. Tehran: No.
 - Zareifred, Raha (2006). *A Study of Unsaid Persian Discourse (Based on Two Contemporary Persian Plays)*. Master's Thesis of Universal Language. Isfahan: Isfahan University.

